

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۴۰۰

# مکتب‌خانه در ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون



دفتر پژوهش‌های فرهنگی

# فهرست مطالب

۹	پیش‌سخن
۱۹	فصل یکم. شکل‌گیری آغازین آموزش کودکان در ایران و جهان اسلامی
۲۰	۱. نخستین کوشش‌های آموزشی
۲۲	۲. پایه‌های نخستین آموزش
۲۴	۳. مکتب‌خانه و مکتب‌داری
۲۹	۴. مؤدب و وظایف آن
۳۳	۵. آموزش بردگان (ترابی)
۳۷	فصل دوم. مکتب‌خانه‌های ایرانی دوره اسلامی تا حمله مغولان
۳۸	۱. شکل‌گیری مکتب‌خانه
۴۰	۲. هزینه و مسائل مالی
۴۳	۳. انواع مکتب‌خانه
۴۴	۴. مکتب‌خانه و حاکمیت اجتماعی - سیاسی
۴۹	فصل سوم. مکتب‌خانه‌های ایران در سده‌های میانه
۵۱	۱. ایستایی در تقابل با انحطاط
۵۲	۲. دو مرحله چشمگیر فرهنگی

- ۵۳ ۳. استمرار شیوه‌های کهن  
۵۴ ۴. آموزش‌های مکتبی

۵۹ **فصل چهارم. مکتب‌خانه‌های ایران در دوره صفویه**

- ۶۰ ۱. ممیزات تاریخی  
۶۱ ۲. اخبار جهانگردان اروپایی  
۶۹ ۳. ویژگی‌های مکتب‌خانه‌های دوره صفویه  
۷۲ ۴. مکتب‌خانه‌های خاص  
۷۳ ۵. شیوه‌های آموزشی و مواد درسی  
۷۴ ۶. هزینه و مخارج مالی

۷۷ **فصل پنجم. آشفتگی فرهنگی در دوره آشوب**

- ۷۸ ۱. وضع مکتب‌خانه‌ها  
۸۰ ۲. شیوه‌های آموزش

**فصل ششم. نظام مکتب‌خانه در رویارویی با تحولات جدید**

- ۸۱ (دوره اول سلطنت قاجار)  
۸۲ ۱. شکل‌گیری مکتب‌خانه (استمرار کارکردهای آموزش سنتی)  
۸۴ ۲. سازمان و اهداف

۸۹ **فصل هفتم. مکتب‌خانه‌های دوره ناصری (فرایند نقد و تحوّل)**

- ۸۹ ۱. استمرار نظام مکتب‌خانه  
۹۰ ۲. احوال و اقوال مکتب‌دیدگان  
۹۶ ۳. آموزش خانگی (آموزش‌هایی از زبان اعیان و اشراف)

۱۰۲	۴. طلیعهٔ مدرسه‌های جدید
۱۰۵	<b>فصل هشتم. دورهٔ مشروطیت و مکتب‌خانه‌های تاریخی</b>
۱۰۵	۱. مکتب‌خانه‌ها در معرض تحول
۱۰۸	۲. نهضت مشروطه‌خواهی و نظام آموزشی مکتب‌خانه
۱۱۳	۳. واپسین حیات سنتی
۱۱۵	<b>سخن پایانی</b>
۱۱۷	<b>تصاویر</b>
۱۲۳	<b>مآخذ</b>

# فصل یکم

## شکل‌گیری آغازین آموزش کودکان در ایران و جهان اسلامی

در دیانت اسلام که نخستین واژه طلیعه بعثت پیامبر گرامی آن با «خواندن» آغاز و «آموختن آنچه انسان نمی‌داند» از ارزش‌های جماعت «ایمان‌آوردندگان» شده است، می‌توان به درستی علم اشاره کرد و علم‌آموزی را از معیارهای برین آن به‌شمار آورد. اعتبار علم و شرافت علمی، وظیفه و تکلیف علم‌آموزی و پیوند آموزش و پرورش، یا تعلیم و تزکیه به یکدیگر، آموختن در هر زمان و مکان، کوشش در نشر و گسترش دانش و فراهم‌آوردن شرایط آموزش و پرورش برای همگان و احترام به معلم و آموزشگران، از هنجارها و هدف‌های والای فرهنگی جامعه به‌شمار رفته است.

در تاریخ تمدن اسلام، به تفصیل در این‌باره پژوهش‌های گوناگون انجام‌شده و شیوه‌ها و روش‌های آموزشی، در پیوند مستقیم و کارا با باورهای تحقق‌یافته که بر جامعه‌های نومسلمان خاصه ایران حاکمیت داشته است. در این باورها، انسان در پیوند با بی‌نهایت (خدا) حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را سامان داده و با ابتکار و خلاقیت و سازندگی‌های پردوام به سوی بی‌نهایت در حرکت بوده است. فراهم‌آوردن چنین انسانی در جامعه‌ای پویا، هدف بنیادی اسلام و نهادهای آموزشی آن در سطوح مختلف به‌شمار رفته است.

خانه و درس‌خانه و به مرور مکتب و مکتب‌خانه به گونه‌ی نهادهای آموزشی و پرورشی در ایران عصر اسلامی درآمده‌اند که پس از «فتوحات» اولیه حیات فرهنگی خود را به‌دست آورده است و با تحولات بسیار، واپسین تکاپوی تاریخی خود را تاکنون نیز ادامه داده‌اند و با این‌که به‌صورت‌های گوناگون در سراسر جهان اسلام، تبلور عملی داشته‌اند، اما به علت‌های خاص تاریخی و فرهنگی، که به آن اشاره شد، این نهادهای کارا، در سرزمین‌های ایرانی‌نشین از مقبولیت بیش‌تری برخوردار بوده‌اند.

پیش از سازمان‌یابی بیش‌وکم رسمی نهاد ویژه آموزش کودکان و نوجوانان، یعنی «مکتب‌خانه»، کوشش‌هایی از سوی مسلمانان در امر آموزش و پرورش صورت گرفته که در پی آن، نهاد یادشده با نظام‌های گوناگون پدید آمده است. در این نوشتار، چگونگی آن حرکت‌های تاریخی - فرهنگی بررسی و شرایط اجتماعی تأسیس آن نهاد آموزشی - مردمی ممتاز (مکتب‌خانه) روشن شده است.

**۱. نخستین کوشش‌های آموزشی** اسلام از جامعه‌ای برخاست و مردم را به علم‌آموزی و کتابت دعوت کرد که در آن جامعه، گاه آموزش شفاهی ارزشمند بود و هنر کتابت ننگ به‌شمار می‌رفت. به قول بلاذری در کتاب *فتوح البلدان* در دوره بعثت رسول خدا (ص) فقط هفده تن از قریش خواندن و نوشتن می‌دانستند (۱۳۴۶، ص ۳۵۷).

با تشویق پیامبر (ص) و کمک‌گرفتن از «ذمیان» خاصه پس از پیکار «بدر» اندک‌اندک مسلمانان در خط تعلیم و نگارش قرار گرفتند (ابن‌اثیر، ۱۳۰۱ق، ص ۱۷۱). پس از آن آموزش کودکان در منازل اشخاص مرسوم شد که نخستین آموزشگر عبدالله بن سعید بن امیه بود. او در مسجدالنبی آموزش خط می‌داد و البته با مجامع دینی (دارالقرآن) که در آن از دیانت و تعالیم

قرآنی سخن به میان می‌آمد متفاوت بود، لکن به مرور یگانگی پیدا کردند و در سرزمین‌های اسلامی صبغه منطقه‌ای و محلی نیز یافتند که در جای خود باید از آن گفت‌وگو شود.

در دوره خلفای راشدین، سوادآموزی مسلمانان به دلایل سیاسی و اقتصادی سرعت بیشتری یافت که شبلی به نقل از جاحظ در کتاب رساله‌المعلمین می‌گوید: «اگر نبشتن نبود گزاره‌های گذشتگان گزند می‌دید و شیراز کارهای کسانی که نیستند [آیندگان] از هم می‌گسیخت» (شبلی، ۱۳۶۱، ص ۴۱).

به دنبال فتوحات و پیشرفت‌های مسلمین و برخورد با تمدن‌های پیشرفته منطقه، خاصه با فرهنگ و مدنیت ایرانی که نمای آموزشی آن روشن و جذاب بود، کتابت و سوادآموزی در تحول زائدالوصفی قرار گرفت و در سرتاسر کشورهای اسلامی مکتب‌خانه‌ها تأسیس شدند، به طوری که دکتر احمد شلبی به نقل از ابن حوقل نوشته است:

«در سده دوم هجری و سده‌های پس از آن، شمار مکتب‌ها و معلمان رو به افزایش نهاد و چندان رو به گسترش و بسیاری گذارد که در هر روستایی یک مکتب و گه‌گاه بیش‌تر بنیاد یافت» (۱۳۶۱، ص ۵۱؛ نیز ← ابن حوقل، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹).

ابن حوقل در معرفی پالمرو در سیسیل، ۳۰۰ آموزگار و مکتب‌شمارش کرده است (۱۳۸۶، ص ۲۲۹).

بدیهی است در سرزمین‌های ایرانی‌نشین به علت آشنایی بیش‌تر با تعلیم و تعلم، این امر اجتماعی و فرهنگی حالت روایی بیش‌تری پیدا کرد. ایرانیان در آغاز با پذیرش دیانت جدید، آموزش‌های مذهبی خود را شفاهی فرامی‌گرفتند تا این‌که به مرور الفبای عربی را آموختند و اندک‌اندک واژه‌های عربی را وارد زبان خود (پهلوی یا فارسی میانه) کردند و زبان فارسی کنونی را به وجود آوردند (تکمیل همایون، ۱۳۷۴، ص ۱۷ - ۲۸).